

اثر ادبی بطور عام و اثر شعری بطور خاص، دو کارکرد را می‌آفرینند. نخست نوعی «توسع» در تجربیات مخاطب بوجود می‌آورد آنگونه که مخاطب دربرخورد با یک اثر ادبی - خصوصاً شعر - وارد حوزه‌ای از تجربیات می‌شود که قبلاً آنرا در نیافته بود. دوم اینکه به تجربیات مخاطب - تجربیات با هر میزان کمی و کیفی - «عمق» می‌بخشد و این «تعمق بخشی» معمولاً کارکرد ثانوی است که بعد از «توسع بخشی» انجام می‌گیرد. بی‌تردید هر مخاطبی نسبت به هر یک از تجربیات ذوقی و ذهنی خود تلقی‌ای خاص دارد که این تلقی خاص دربرخورد او با شعر معنی می‌پذیرد و با عمق لازم در ذهن و روح او ریشه می‌زند و در حقیقت تجربیات کم‌رنگ شده یا فراموش شده را دوباره فرا یاد مخاطب می‌آورد و این مهمترین کارکرد شعری خوب و هنرمندانه است.

اصولاً دو کارکرد «توسع بخشی» و «تعمق بخشی» در صورتی انجام می‌پذیرد که بستر لازم فراهم باشد و این بستر در شعر مشخصاتی مختلف دارد که مهمترین آن مسأله زبان است. شعر در اصل نوعی گریز از هنجارهای زبانی تلقی می‌شود و این «هنجارگریزی» هرچه فعال‌تر و زایشی‌تر باشد یقیناً تأثیر ذهنی بیشتر در مخاطب خواهد گذاشت. بهمین خاطر است که

«فرمالیستها، زبان ادبی را مجموعه انحرافات از هنجار یا نوعی طغیان زبانی می‌دانستند و عبارت دیگر ادبیات نوع خاصی از زبان است که با زبان متداولی به کار می‌بریم در تقابل قرار می‌گیرد»^۱ و این تقابل زبانی، زمانی توسع بخشی و تعمق بخشی لازم را خواهد داشت که با ساختار زبانی مخاطبین تفاوتی آشکار داشته باشد تا آنجایی که مخاطب بی‌آنکه خود بخواند تحت تأثیر طیف زبانی و معنایی آن قرار بگیرد و آن را در فضایی جدید تجربه نماید. از همین دیدگاه می‌توان زبان را به دو گونه‌ی «عادی» و «فراعادی» تقسیم نمود که گونه‌ی اول ابعادی عمومی دارد و گونه‌ی دوم ابعادی اختصاصی که مهمترین حوزه‌ی فعالیت گونه‌ی دوم زبان در آثار ادبی و بطور اخص در شعر خود را نشان می‌دهد.

نکته‌ی دیگر، موضوع «ارتباط» است. شکی نیست که زبان یک نظام ارتباطی است. مجموعه‌ای از نشانه‌ها با دلالت‌های مشخص که مفاهیم و معانی را انتقال می‌دهد. شعر بعنوان یک تجربه زبانی یا به عبارت دیگر زیباترین تجربه زبانی بدنیاال همین ارتباط شکل می‌گیرد. لذا «اثر هنری از لحظه‌ای که ارائه می‌شود منش ارتباطی می‌باید و این مستقل است از خواست یا اکراه پدیدآورنده‌اش»^۲ و شاعر از لحظه‌ای که شعری را می‌آفریند در حقیقت نه او که شعرش، بعنوان یک تجربه زبانی، زمینه‌های این ارتباط را فراهم می‌کند و دیگر دخالت مؤلف در آن نقش ندارد و این خود اثر است که از کانال زبان با مخاطب گفتگو می‌کند و یا آنچنان تجربه مخاطب را توسع و تعمق می‌بخشد که خود مخاطب در متن شعر، تجاربی تازه به دست می‌آورد و این محصول البته در ارتباط با هر مخاطب می‌تواند از گونه‌گونی بسیاری برخوردار شود و تفاوت یاد شده بدان خاطر است که فضای ذهنی و حوزه تجربیات هر مخاطب از ساختاری مجزا و متفاوت با دیگری ساخته شده است.

یکی از مشکلات شعر بعد از نیما یقیناً عدم توجه شاعران - بطور اخص شاعران جوان دو سه دهه‌ی اخیر - به مقوله‌ی زبان بوده است. اگر طیفی اندک از شاعران معاصر را - نیما و شاملو و اخوان و شفیعی کدکنی و سپهری و فروغ - در این زمینه توفیق یافته تلقی کنیم؛ تردیدی نیست که جدای از این گروه انگشت‌شمار متأسفانه دیگران، اعم از کسانی که امواج مختلف شعری صادر فرمودند یا مدعی سبکی خاص تحت عناوینی چون حجم و مدرن و حرکت و غیره بودند؛ در حوزه‌ی زبان شعر خود چندان توفیقی نداشته‌اند و اگرچه بعضی‌ها بطور مقطعی - گاهی یا طیفی کمتر از نیم‌دهه - گل کرده‌اند، نه از اهرم زبان برخوردار بوده‌اند و نه چندان بهره‌مند از بن‌مایه‌های معرفتی در حوزه‌ی اجتماع؛ بلکه صرفاً گاهی کارکردهای مختلفی چون مسائل شبه‌اجتماعی آمیخته با عشق - و گاهی همراه با چاشنی فلسفی ضعیف - و متأسفانه اخیراً - یک دو دهه‌ی اخیر - حتی دخالت جنسیت مؤلف و کیفیت زلف و ابروی صاحب اثر نیز با آن همراه بوده است (!) در حالیکه این زبان است که چنان رستاخیزی شگرف در دنیای شعر غوغا می‌کند و می‌آفریند و جاودانه می‌ماند.

با مداخل فوق‌نگاهی به مجموعه شعر «روزبخیر محبوب من» سروده‌ی رسول یونان، بهانه‌ای است تا بتوان بسامانی‌ها و نابسامانی‌های زبانی و فنی موجود در سروده‌های رسول یونان را دریافت. این مجموعه در پنج قسمت تنظیم شده که طولانی‌ترین بخش آن «روزی به رنگ دریا» با چهل و پنج قطعه شعر و بخش «ترانه‌های مرده‌شوی برای پسرش» با چهار قطعه شعر همراه با بن‌مایه‌های فلسفی و بخش سوم با نام «آوازهای مردی در قهوه‌خانه» با نه قطعه شعر و بعد «اتاق پذیرایی» با ده قطعه شعر و خلاصه در پایان «سونات قدیمی» بعنوان فصل پنجم کتاب با دو قطعه غزل می‌باشد که ظاهراً این فصل اخیر تنوعاً و تفنناً سروده شده است. دغدغه‌های فکری و روحی رسول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فرهاد صابر

نیم‌نگاهی به روز بخیر محبوب من

یونان گاهی به زیبایی هرچه تمام‌تر در سروده‌هایش انعکاس می‌یابد:

چون جو بارهای کوچک

در نخستین ایستگاه‌ها

از پا درآمدیم

من هیچ،

حیف از تو که دریا را ندیدی.

(قطعه ۷، ص ۶۹)

با نگاهی گذرا به «روزبخیخیر محبوب من» می‌توان به «شاعر بودن» و «معاصر بودن» سراینده‌اش پی برد. معاصر بودن رسول یونان از این حیث قابل تأمل است که سروده‌هایش تا اندازه‌ای امیدوارکننده با میزانهای شعر این عصر و نیازهای اجتماعی معاصر گره می‌خورد. مخاطب او در سروده‌هایش تمام انسانهایی هستند که با او می‌جوشند و همراه با او در طول زندگی می‌کوشند و دردهای او با درد همگان رابطه دارد و پیوند عشق و اجتماع در شعر او فرصتی می‌سازد تا با نمادهایی چون فقر و عشق و نان و گاهی نمایه‌هایی از طبیعت و روح وحشی آن؛ خودش را به حوزه‌ی شعر اجتماعی نزدیک کند و بدیهی است که شاعر زمانی موفق به تبیین مناسبات و دردهای اجتماعی در شعرش خواهد شد که بقول «مایا کوفسکی» در «مرکز وقایع و رویدادها» باشد. زبان شعر رسول یونان از حیث «ارتباط با مخاطب» فراز و فرودی چشمگیر دارد. وقتی بحث از ارتباط است همیشه با «دو طرف گفتگو» سروکار داریم عبارت دیگر با دو طرف پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده می‌توان بستر مناسبی را برای ایجاد یک منش ارتباطی فراهم کرد. این بستر ارتباط زمانی فراهم خواهد شد که بین زبان پیام‌دهنده - شاعر - و زبان پیام‌گیرنده - مخاطب - نوعی مناسبت‌های زبانی، عاطفی، فکری و روحی و فرهنگی وجود داشته باشد و از طریق این کانال‌های موجود، پیام ارائه شود. در شعر رسول یونان این کانال‌های موجود

گاهی دچار پارازیت می‌شوند و به اصطلاح نوعی «گسست ارتباط» رخ می‌دهد و مخاطب رها شده پیام محو می‌شود. دلالت این نابسامانی، ساختار زبانی شاعر است که به استثناء بعضی از قطعات کوتاه مجموعه - ق ۱۳، ۱۳/۹، ق ۸، ص ۱۴، ق ۲۲/۲۶، ص ۳۶/۳، ق ۶۰/۷، ق ۶۹/۷، ص ۷۹ - در قطعات دیگر قابل مشاهده است. ساخت زبانی شعر رسول یونان از آنچنان هنجارگریزی لازم برخوردار نیست که در تقابل با ذهن و زبان مخاطب بخاطر آشنازدایی؛ گیرایی خوبی از خود نشان دهد. به همین خاطر بسیاری از سروده‌های او هیچگاه در ذهن مخاطب رسوب نمی‌کند چون بعنوان یک تجربه زبانی از فرآیندی نو و طغیان‌گرانه برخوردار نیست تا زبان مخاطب را تحت‌الشعاع قرار بدهد و گد تازهای را در ذهن مخاطب بخود اختصاص دهد. برای مثال در بعضی از سروده‌ها - قطعه ۲۱ ص ۳۰/۶، ق ۶۸/۲ ص ۷۲ و... - واژگان که هر یک به نوبه خود نشانه‌هایی از ساخت زبان هستند، بخاطر قرار نگرفتن در موقعیت درست خود - اعم از موقعیت صرفی زبان و موقعیت اشتقاقی - قادر به فعال نمودن ذهن مخاطب نیستند و در برخورد با ذهن مخاطب معمولاً خنثی و بی‌تأثیر عمل می‌کنند در حالیکه شعر مجموعه‌ای از نشانه‌های دال و مدلولی است که دلالت‌های مشخصی دارند و به قول لارنس پرین «در یک شعر کامل هیچ کلمه‌ای اضافی نیست»^۳ و حقیقتاً هم تفاوت کلام شعری با کلام غیرشعری در همین نکته نهفته است. یکی از مشکلات مهم شاعران جوان معاصر عدم توجه به جوانب صرفی و اشتقاقی زبان است. «متنی شاعرانه به معنای گردهم‌آمدن شماری از نشانه‌ها در یک ورق کاغذ نیست»^۴ بلکه بوجود آوردن نوعی ائتلاف بین کلمات در کلام می‌باشد که در شرایط عادی - مثلاً در متن خبری یا علمی - نمی‌توان چنین ائتلافی را مشاهده کرد. زبان شعر در صورتی می‌تواند بر روند زبان عادی تأثیر بگذارد که «چندلایه» باشد یعنی در

عین حال که کارکرد زبان عادی را در خود دارد با ایجاد جنبه‌های فرا عادی، فضاهای تازه‌ای را در ذهن و زبان مخاطب بوجود بیاورد و در عین حال نیز کنشهای موسیقایی در خود داشته باشد و از هارمونی و هم‌آوایی گوش نوازی هم بهره‌مند شود.

زبان رسول یونان در «روزبخیخیر محبوب من» چند لایه نیست. برای اینکه جنبه‌ی فرا عادی بودن زبانش بسیار ضعیف است. او در تمام مجموعه‌اش فقط در مواردی اندک دست به ترکیب‌سازی زده است و واژگان اشتقاقی او عموماً با تکواژهایی وابسته و غیرمستقل همراه است و یا عموماً بسیط و مفردند و چندان فعال به نظر نمی‌رسد. در حالیکه واژه‌ها در کلام شاعر باید با هم پیوند بخورد و با گره خوردن به همدیگر و به وجود آوردن ترکیبات و تعبیرات جدید، مفاهیمی جدید عرضه شود تا بتواند از مدار زبان عادی جدا گردد.

شعر رسول یونان علاوه بر نابسامانی ساختار زبانی از منظر خیال نیز دچار سکنه‌هایی آزاردهنده می‌باشد. خیال در شعر او گاهی زیبایی خاصی دارد:

■ فرشته نبود

اما مهربان بود

بی‌پناهم که یافت

خانه‌ای ساخت برایم

از نور و آرامش

و من باشکوه زیستم.

دست‌هایش سفید بود و روشن

انگار

از چندین ماه آمده بود!

(قطعه ۴۱، ص ۵۲)

اما با نگاهی به محور عمودی خیال در شعر او می‌توان به فضای شکسته و نامناسب خیال در بافت شعر او پی برد:

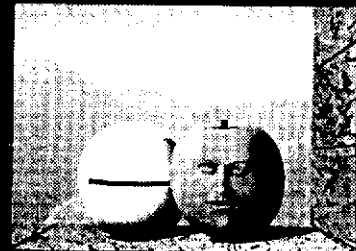
■ خواب

طعم عسل داشت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

روز بخیخیر محبوب من

رسول یونان



سروده رسول یونان

نشر نارنج

چاپ اول، ۱۳۷۷

در بعد از ظهرهایی که
 آسمان
 کمی بالاتر از درخت کاج بود
 یا این همه
 ما به ایستگاهها رفتیم
 تا دور شدن را
 از قطارها یاد بگیریم
 سرانجام
 از من و تو
 تنها خرگوشی سفید
 میان کومه‌های یونجه به خواب می‌رفت

(قطعه ۶، ص ۱۲)

با نخستین تأمل می‌توان دریافت که سراینده چنان بسیاری از جوانان شاعر دهه‌های اخیر غرق «اشیاء زدگی»، «حجم زدگی» و «نشانه زدگی» است که به مناسبات روحی و عاطفی مخاطبش در حوزه‌ی خیال نمی‌اندیشد و بیشتر به ساخت شعرش می‌اندیشد نه به آنچه که می‌توان از شعر انتظار داشت. همین امر باعث شده است که گاهی در اندکی از قطعاتش - خوشبختانه اندکی! - دچار «آسمان ریسمان بافی»‌های شگفتی شود که می‌توان رگه‌های کامل آنرا قدیماً در بعضی سروده‌های رضا پراهنی و اخیراً در شاهکارهای رزا جمالی (!) یافت - اگرچه به قول دکتر شفیعی کدکنی «اگر

از هر شعر مؤثری و دل‌انگیزی جنبه‌های خیالی آنرا بگیریم جز سخنی ساده و عادی که از زبان همه کس قابل شنیدن است چیزی باقی نمی‌ماند»^۵، آنچه که قبل از هر چیز اهمیت خود را نشان می‌دهد «سلامت خیال» و رضایت ذهنی خواننده و در نهایت لذتی است که مخاطب از تصاویر عرضه شده و امتزاج آنها در یک اثر شعری می‌برد. یقیناً نه مصرع ساده و بی‌بهره از خیال «در مصرف آب صرفه جوئی بکنیم» شعر است و نه بعضی از ابیات پیچیده و سردرگم شاعران مبهم سرای سبک هندی و جدیداً بعضی حضرات معاصر که مدعی شعر مدرن و پُست مدرن اند می‌تواند شعر محسوب شود. روند خیال در قطعات کوتاه «روز بخیر محبوب من» بخاطر تسلط شاعر بر محور کوتاه عمودی زیبایی پرچاذه‌ای دارد و این چاذه بیشتر با داشتن جوانب‌هایکویی خود را نشان می‌دهد:

■ از سرزمین گیسوت
 قصه سر می‌کنند مردان
 بر نیمکتهای دلتنگی
 آن سوی تر
 باد
 هوس سیگار می‌کند

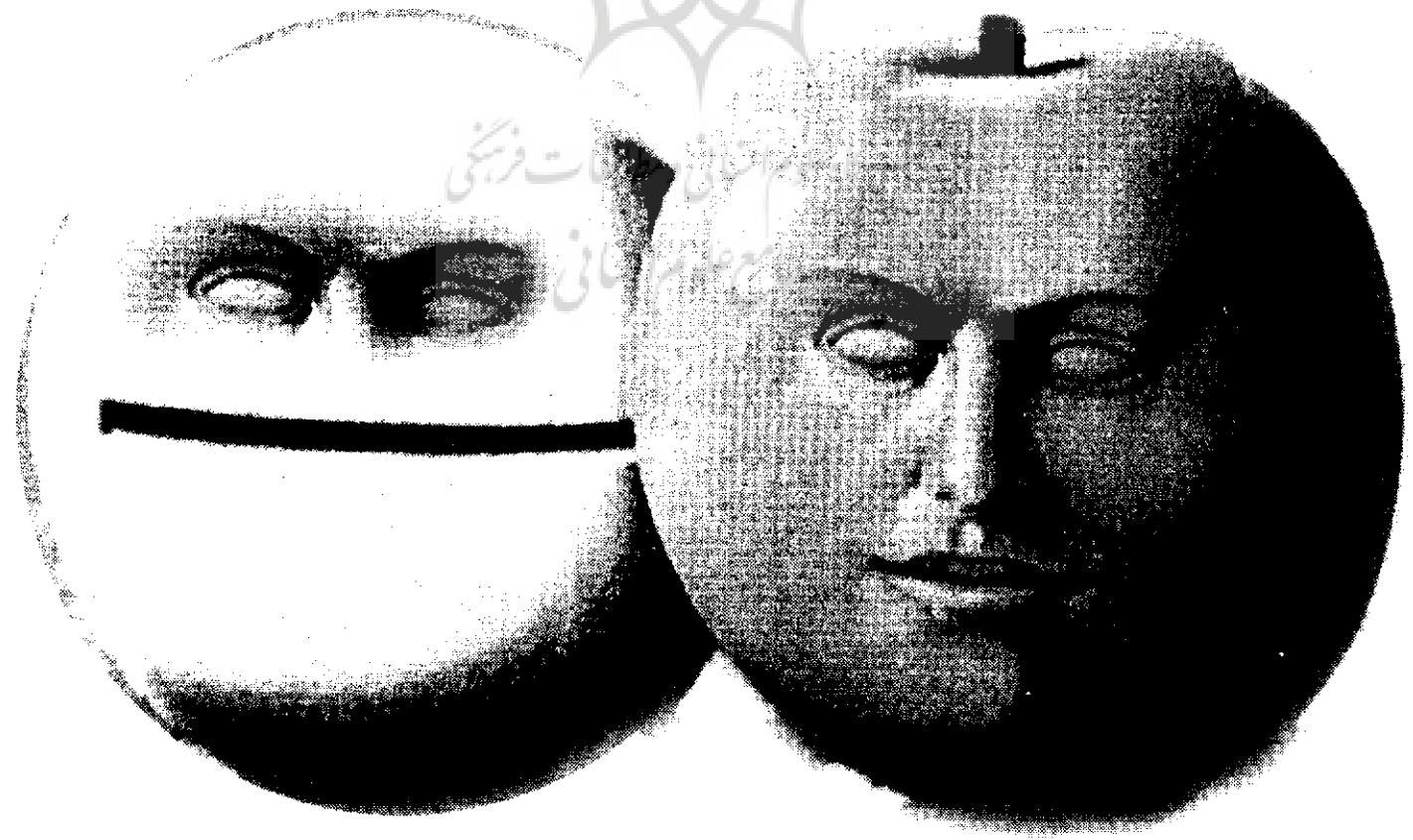
(قطعه ۴۵، ص ۵۶)

اما همین روند در قطعاتی که مقداری طولانی‌تر به

نظر می‌رسند گسست قابل توجهی در حوزه‌ی خیال دارند و گویی شاعر بعد از یک پاراگراف سرنخ کلاف خیال را گم می‌کند و وارد یک فضای نامربوط دیگر می‌شود.

از منظر دیگر بسامد بالای بعضی واژگان همچون «ایستگاه، عسل، خرگوش، جهان، درختان کاج، کشتی، مجهول، کلاغ، نان، سیگار و اشیاء» در مجموعه اشارتی لطیف به ضعف بانک واژگانی در بایگانی ذهن سراینده دارد. البته این مشکل در اکثر مجموعه شعرهای شاعران جوان در دو سه دهه‌ی اخیر ریشه دارد و این تکرار و همانندگویی گاهی از قالب کلمه به کلام نیز وارد می‌شود. و گویی تمام شاعران جوان مجبورند از واژگانی نظیر «سبز و حجم و وهم و پنجره و افاقی و اشیاء و کوچه» در شعرشان بهره‌مند شوند اما این مشکل در شعر رسول یونان بگونه‌ای دیگر وجود دارد و آن بسامد بالای کلماتی است که خود شاعر آنها را بطور دوری و مدام تکرار می‌کند. معمولاً هر نشانه در زبان بار معنایی خاصی به خود را حمل می‌کند و تعدد نشانه‌ها دلالتی بر تعدد معانی و مفاهیم نهفته در شعر را نشان می‌دهد و تکرار واژه‌ها زمانی منطقی خواهد بود که فضای معنایی تازه‌ای را بیافریند و دلالتی تازه داشته باشد.

علاوه بر موارد فوق رسول یونان اعتماد کافی به ذهن و دریافت ذهنی خواننده‌اش ندارد و همین



شعر ژاپن

شعراى بزرگ ژاپن

ترجمه و تالیف: ناهوکو تاواراتانی

توس: ۱۳۷۷

شعر ژاپنی در این عصر با دو گونه شعری هایکو (Haiku) و تاکا (Tanka) در جهان شناخته شد. هایکو و تاکا دو صورت شعری فوق العاده مختصر، اشارهای و موجزند. این شعرها توضیح نمی دهند بلکه نشان می دهند و بیشتر تصویر کارمایه آن است تا مفهوم. این صورت های شعری سرچشمه و ریشه مکتبی شدند که به فضالت تصویر معروف است.

خانم ناهوکو تاواراتانی از سال ۱۳۶۲ مقیم ایران گردیده و به عنوان استاد ژاپن و ادبیات ژاپن مشغول به تدریس شد و کتاب مورد بحث، اولین تالیف و ترجمه ایشان است که در آن کوشیده، بخش دیگری از شعر ژاپن را به ما بشناساند کتاب شامل دو بخش مقدمائی و بخش معرفی شاعران و شعرها و نوبی افزود و یک پیوست است، در بخش آغازین خانم «تاواراتانی» گونه هایی از شعر ژاپنی را معرفی می کند اما این اطلاعات مختصر و نارساست.

مؤلف - مترجم در این کتاب، شعر ژاپن را به دو دوره قبل از مه ای چی و دوره مه ای چی تقسیم می کند که در کیفیت دو دوره شعر سنتی و شعر جدید را در بر می گیرد و آنچه در بخش اصلی کتاب می آید، شعر شاعران دوره جدید است. در این بخش به زندگی و شعر یازده شاعر می پردازد روش نویسنده کتاب، همان روش تذکره نویسان قدیم ماست: ابتدا خلاصه ای از زندگی، آثار و چند شعر و سرانجام توضیح و تشریح شعرها (و نه نقد آنها). شعرها با متن ژاپنی و آوانگاری و ترجمه فارسی آمده است. اما ترجمه شعرها چندان به دل نمی نشیند که شاید یکی از دلایلیش، عدم احاطه مترجم بر ظرافت ها و ظرافت های شعر فارسی باشد. بخش پی افزود شامل شرح اصطلاحات و توضیحاتی در مورد برخی وقایع و شخصیت هایی است که در متن آمده.

در پیوست کتاب چند شعر از شاعران ژاپن آمده که برای فاجعه بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی سروده اند. و همچنین اشاره ای است به فعالیت زنان شاعر در عرصه شعر امروز ژاپن. کتاب از نثری به نسبت روان برخوردار است برای آشنایی بیشتر بخش آغازین پیوست کتاب را مرور می کنیم.

«شعراى ژاپنى به طور سنتى در زمينه عشق و عاشقى و عرفان شعر مى سرودند و بطور کلی شعرسرایى ژاپن از سیاست و مسائل اجتماعى به دور بوده است مضامینى چون مشکلات زندگى، احساسات انسان دوستى، مینهن پرستى، جنگ و صلح و غیره موضوعاتی هستند که بعد از دوره مه ای چی (Meiji) به عرصه شعرسرایى راه یافتند.» (ص ۱۰۰)

«گسسته های تصویری در حوزه ی خیال» رها کند می تواند در تجربیات بعدی اش موفق تر گام بردارد و شاهد این مدعا قطعه هشتم بخش «روزی به رنگ دریا» می باشد که با چشم اندازی امیدوارانه به کارهای بعدی رسول یونان، مرور آن جهت حسن ختام این یادداشت خالی از لطف نیست:

■ من ابر شدم

گفته بودی که خورشیدی

یادت هست

تا زیباتر بتابی

چقدر گریستم؟

(قطعه ۸، ص ۱۴)

پاورقی:

۱- پیش درآمدی بر نظریه ادبی، تری ایکلتون، ترجمه عباس مخبر، ص ۸، چاپ اول، نشر مرکز.

۲- حقیقت و زیبایی، بابک احمدی، ص ۳۹۱، چاپ اول ۱۳۷۵، نشر مرکز.

۳- شعر و عناصر شعری، لارنس پرین، ترجمه غلامرضا سلگی، ص ۱۶۶، چاپ اول ۷۱.

۴- ساختار و تأویل متن، ج ۲، بابک احمدی، ص ۴۴۲، چاپ سوم ۱۳۷۵، نشر مرکز.

۵- صور خیال در شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ص ۵، چاپ سوم ۱۳۶۶، انتشارات آگاه.

«مخاطب نابوری» باعث می شود تا جملات معترضه ای او در سروده هایش بیش از اندازه حضور پیدا کند. شاعر بخاطر درک نادرست خود از مخاطب جهت جبران «تنبلی ذهنی» مخاطب گاهی مجبور می شود به اصطلاح «مفهوم تر» بسراید بعبارت دیگر او قبل از اینکه «درک خود» را بسراید بر آن است تا «درک مخاطب» را بیازماید و این «مخاطب محوری» گاهی شعرش را به نثر نزدیک می کند و از آن گونه ای خبری و توضیحی می سازد:

■ هر کجا بروی

خواهم آمد

ماه شده ام

همسفر تمام مسافران

□ هر کجا باشی

بر کلبه ات خواهم تابید

تا خاطر های زاده شود

از هر چه عشق و زیبایی.

دوستت می دارم.

(قطعه ۴، ص ۱۰)

پایان سخن آنکه رسول یونان اگر خود را از آفاتی نظیر «چالش های زبانی»، «سرطان اشیاء زدگی»، «مخاطب محوری»، «سطحی نگری در بیان مناسبات اجتماعی و پیوند آن با مقولات عاشقانه» و خلاصه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی